متغیرهای تاثیرگذار بر روابط سیاسی ایران و عمان در چارچوب نظریه پیوستگی روزنا (۲۰۱۳-۲۰۲۴)

محمد شکرچیان خوزستانی[۱] ، حسن خداوردی[۲]* ، مهدی علیخانی[۳]

چکیده:

این پژوهش با به‌کارگیری چارچوب نظری پیوستگی روزنا و با ارائه الگوی بدیع «پیوستگی تعاملی پنج‌گانه»، به تحلیل پویایی روابط سیاسی تهران و مسقط در بازه ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ می‌پردازد. پرسش اصلی این است که چگونه تعامل پویا و هم‌زمان متغیرهای نظریه روزنا، علیرغم تحولات شدید منطقه‌ای و تغییر رهبری در عمان، منجر به حفظ «پایداری پویا» در روابط دو کشور شده است؟

این پژوهش با کشف الگوی علّی پویا از تعامل سطوح پنج‌گانه‌ی روزنا، الگویی نوین برای تبیین سازوکارهای پایداری روابط ایران و عمان در شرایط بحران‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد ثبات این روابط نه محصول تصادف یا یک متغیر منفرد، بلکه نتیجه «هم‌افزایی تعاملی» متغیرها در سطوح مختلف است.در بُعد فردی، شخصیت رهبران سیاسی عمان، با اتخاذ میانجیگری، بستر شکل‌گیری روابطی باثبات با ایران را فراهم ساخت. در ایران نیز، نقش بی‌بدیل رهبری در هدایت کلی نظام، همراه با سیاست تنش زدایی حسن روحانی و سیاست همسایگی ابراهیم رئیسی، به حفظ و توسعه این مناسبات یاری رساند. تعامل پویا و متقابل متغیرهای سطوح فرد، جامعه، نقش، حکومت و نظام بین الملل نیز موجب پیوند پایدار این روابط شده است.با اتخاذ سیاست واقعگرایی و عملگرایی، فشار نظام بین‌الملل به‌جای تضعیف روابط، با فعال‌سازی مکانیسم‌های فردی (میانجی‌گری عمان) و اجتماعی (پیوندهای مذهبی اباضیه) به عاملی برای تحکیم همکاری تبدیل شده است.نهادهای رسمی نیز با تمرکز تصمیم‌گیری و دستگاه‌های دیپلماتیک و اقتصادی، زمینه‌ساز پایداری همکاری‌ها بوده‌اند

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، پادشاهی عمان، روابط سیاسی، روابط اقتصادی، نظریه روزنا

---

[۱]. گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[۲]. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران * نویسنده مسئول مکاتبات: 0059549912 @.iau.ir

[۳] استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

منطقه غرب آسیا و حوزه خلیج فارس همواره به‌عنوان یکی از نقاط راهبردی و ژئوپلیتیک جهان، بستری برای تحولات پیچیده و متغیر در عرصه روابط بین‌الملل بوده است؛ منطقه‌ای که به‌واسطه موقعیت حساس جغرافیایی، پیشینه‌ای تاریخی با لایه‌های عمیق تمدنی و ساختاری فرهنگی متکثر، همواره در معرض کنش و واکنش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با منافع گوناگون قرار داشته است. رقابت فشرده میان بازیگران بین‌المللی بر سر کنترل منابع عظیم انرژی، دسترسی به مسیرهای حیاتی دریایی و نفوذ در تحولات سیاسی ـ امنیتی این حوزه، باعث شده نظم منطقه‌ای شکننده و ناپایدار باقی بماند. در چنین فضای پرچالش و پرتنشی، برخی کشورها توانسته‌اند با اتخاذ سیاستی مبتنی بر واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری و عقلانیت سیاسی، روابطی متوازن و باثبات با دیگر بازیگران منطقه برقرار کنند که از جمله برجسته‌ترین نمونه‌ها، مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان است.

روابط تهران- مسقط را می‌توان نمونه‌ای برجسته از همکاری‌های پایدار دوجانبه در محیطی آکنده از بی‌ثباتی، رقابت و بحران‌های ژئوپلیتیکی قلمداد کرد، الگویی که با وجود فراز و نشیب‌های ناشی از تحولات کلان منطقه‌ای و فشارهای نظام بین‌الملل، همواره از نوعی تداوم و هماهنگی درونی برخوردار بوده است.

روابط ایران و عمان، نه‌تنها از منظر عملیاتی، دارای انسجام نسبی بوده است بلکه ثبات ساختاری روابط آنها علیرغم نوسانات شدید منطقه‌ای (مانند خروج آمریکا از برجام، تحریم‌های حداکثری و عادی‌سازی روابط اعراب-اسرائیل) پرسش‌زاست. این پژوهش با کشف سازوکارهای جبران‌کننده‌ی سطوح تحلیل در نظریه‌ی روزنا، این ثبات را تبیین می‌کند.رویکردی که امکان بررسی روابط میان دو کشور را از زوایای مختلف و در سطوح تحلیلی گوناگون فراهم نموده، و در عین حال قابلیت تعمیم‌پذیری به سایر الگوهای منطقه‌ای را نیز دارد. پژوهش حاضر با کشف الگوی علّی پویا از تعامل سطوح پنج‌گانه‌ی روزنا، الگویی نوین برای تبیین سازوکارهای پایداری روابط ایران و عمان در شرایط بحران‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهد.از سوی دیگر همکاریهای اقتصادی به ویژه در حوزه انرژی بین ایران و عمان نشان میدهد چگونه متغیر حکومتی از متغیر نظام بین الملل برای تبدیل تهدیدات به فرصتها در روابط سیاسی بهره می‌برد.

از این رو، پژوهش در پی پاسخ به این سوال بوده است که چگونه متغیرها در سطوح مختلف خُرد و کلان بر روابط سیاسی ایران و عمان در دوره زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ تأثیر گذاشته است؟

بُعد زمانی این پژوهش به دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ اختصاص یافته است؛ بازه‌ای که هم‌زمان با تحولات مهمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله توافق هسته‌ای، بازگشت تحریم‌ها، و تحولات ژئوپلیتیکی در خلیج فارس بوده است. در بُعد مکانی، تمرکز اصلی بر مناسبات سیاسی و دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عمان، در چارچوب فضای ژئوپلیتیکی غرب آسیا و به‌ویژه حوزه خلیج فارس قرار دارد. همچنین، در بُعد موضوعی، عوامل اثرگذار بر پایداری و تحول در روابط سیاسی دو کشور، میانجی‌گری دیپلماتیک و نقش‌آفرینی منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل متغیرهایی بوده است که در قالب سطوح مختلف تحلیل،

اعم از فرد، نقش، نهادی، اجتماعی و بین‌المللی، به استمرار یا تغییر در الگوهای رفتاری سیاست خارجی تهران- مسقط در قبال یکدیگر انجامیده‌اند. این پژوهش کوشیده است ضمن ترسیم دینامیک‌های درونی و خارجی این رابطه، چشم‌اندازی کاربردی و تحلیلی در اختیار سیاست‌گذاران و پژوهشگران منطقه‌ای قرار دهد تا ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه در روابط تهران ـ مسقط با دقت بیشتری فهم و بهره‌برداری شود.

۱- پیشینه پژوهش

تحقیقات پیشین عمدتاً بر توصیف تاریخی یا تک‌متغیره تمرکز داشته‌اند و تعامل پویای سطوح تحلیل را نادیده گرفته‌اند.

کوهکن (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط عمان با ایران در دوره سلطان هیثم بن طارق»، به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که «چه آینده‌هایی برای روابط عمان و ایران در دوره پس از سلطان قابوس محتمل است؟» نتایج حاکی از آن است که با توجه به تغییرات حاکمیت و فشارهای بین‌المللی، عمان احتمالاً به سیاست تعامل با ایران ادامه خواهد داد. این سناریو با توجه به اصول نظریه روزنا که بر تأثیر هم‌زمان متغیرهای داخلی و خارجی تأکید دارد، معتبر به نظر می‌رسد.

نطاق‌پور نوری و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی عوامل موثر هم‌گرایی ایران و عمان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیده است که عواملی مانند پیشینه مشترک تاریخی، حسن هم‌جواری و همسایگی، اسلام، وابستگی دو کشور به صادرات نفت و موقعیت استراتژیک خلیج فارس، از مهم‌ترین عناصر هم‌گرایی در روابط ایران و عمان می باشد. این عوامل به تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران منجر شده و زمینه‌های همکاری و تعاملات راهبردی میان دو کشور را فراهم نموده است.

آلباسوس[1] و دیگران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «ماهیت روابط عمان با ایران» به این موضوع اشاره می‌کند که روابط تاریخی میان عمان و ایران به تمدن‌های باستانی باز می‌گردد. این کشور ایران را نه تنها به عنوان یک کشور مدرن، بلکه به عنوان یک تمدن کهن می‌شناسد و به موقعیت مهم تاریخی و معاصر ایران در منطقه احترام می‌گذارد. نتایج حاکی از آن است که روابط ایران و عمان همواره بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و همکاری‌های استراتژیک شکل گرفته است و این روابط در دوره‌های مختلف، به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد، بر اساس تهدیدات منطقه‌ای و نیازهای امنیتی تقویت شده است.

بنهویدین[2] (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «پاسخ عمان به ایران در حال رشد: موردی از پوشش استراتژیک» به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که چگونه عمان توانسته است روابط پایدار خود را با ایران، به عنوان یک رقیب منطقه‌ای، حفظ کند و دلیل تداوم این روابط چیست؟ نتایج حاکی از آن است که استراتژی پوشش ریسک عمان در قبال ایران، که عمدتاً مبتنی بر عمل‌گرایی و اهداف امنیتی است، به عنوان الگوی اصلی برای حفظ روابط پایدار عمل می‌کند. این رویکرد باعث شده است عمان از تنش‌های منطقه‌ای دور بماند و در عین حال، امنیت و ثبات سیاسی خود را حفظ کند.

---

[1] Albasoos, Ali
[2] Binhuwaidin

الزوبیر[1] (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «عمان، ایران و ایالات متحده: تحلیلی از سیاست خارجی عمان و نقش آن به عنوان یک واسطه»، به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که چگونه و چرا عمان توانسته است با اتخاذ سیاست خارجی عمل‌گرایانه و عدم مداخله، اعتماد طرفین درگیر، به‌ویژه ایران و ایالات متحده، را برای ایفای نقش میانجی به دست آورد؟ نتایج حاکی از آن است که رویکرد سیاست خارجی عمان، مبتنی بر عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و تلاش برای ارائه راه‌حل‌های مناسب در مسائل منطقه‌ای، به این کشور اجازه داده تا در شرایط پیچیده خاورمیانه به عنوان یک بازیگر بی‌طرف و قابل اعتماد شناخته شود.

۲-چارچوب نظری: نظریه پیوستگی جیمز روزنا

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که با ارائه پیش نظریه سیاست خارجی خود و همچنین مدل پیوستگی سیاست خارجی، زمینه را برای اتصال دو سطح تحلیل خرد (محیط داخلی) و یا کلان (محیط بین‌المللی) فراهم کرده است، جیمز روزنا[2] می‌باشد. روزنا به دنبال نظریه‌ای میان‌بُرد برای تبیین سیاست خارجی بود که بتواند تبیینی چند سطحی (با توجه به سطح داخلی و بین‌المللی) و چند علیتی از چرایی و چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی ارائه کند. هدف، رسیدن به فهمی انباشتی از ابعاد مختلف سیاست خارجی و تاثیر متغیرهای مختلف بر آن بود.

از نظر روزنا خصوصیات و رفتار هر واحد سیاسی در هرلحظه‌ای از زمان، محصول سنت فرهنگی و محیط‌های متغیر داخلی و خارجی است و گزینه‌ها و دایره اختیارات و انتخاب‌های تصمیم‌گیرندگان و فعالیت آن‌ها تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی، سوابق و سنت‌های تاریخی، درخواست‌هایی است که از هر دو نظام داخلی و خارجی وام می‌گیرد (Rosenau,1971:146). وی بر این اعتقاد بوده است که شناسایی این‌که چه عواملی در سطوح داخلی و خارجی به سیاست خارجی شکل می‌دهند، نشان می‌دهد که در چه شرایطی کدام دسته از عوامل بر دسته دیگر غالب می‌شوند. این مسئله‌ای است که به آن توجه لازم نشده است. در همین راستا، در سطح تحلیل خُرد به چهار عامل فرد ، نقش، متغیر دولتی یا بروکراتیک و متغیر اجتماعی یا جامعه توجه دارد و به این عوامل، عامل مهم نظام بین‌المللی را نیز در سطح کلان اضافه کرده است (Rosenau,1971:98-99). وی سعی کرده است میزان نفوذ هریک از این عوامل داخلی و محیط بین‌المللی را در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی مورد ارزیابی قرارداده و در واقع نوعی زمینه برای تبیین عِلّی را در سیاست خارجی فراهم آورد (Rosenau, 1971:110).

- متغیرهای فردی شامل ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها و تصورات، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها، سبک رهبری و شیوه تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرنده می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی،۱۳۸۸: ۷۱).
- نقش، به ویژگی‌های رفتاری تعریف می‌شود که ناشی از مسئولیت‌های سیاست‌گذاری یک بازیگر است و هر فردی که چنین جایگاهی را پُر کند از او نیز رفتار مشابهی انتظار می‌رود. (راست و استار،۱۳۸۱: ۳۵۶-۳۵۹)

[1] Al Zubair
[2] James N. Rosenau

- متغیر حکومتی به آن جنبه‌هایی از ساختار حکومتی اشاره می‌کند که گزینه‌های سیاست خارجی را محدود می‌کند یا افزایش می‌دهد. تاثیر رابطه قوه مجریه و قوه مقننه در سیاست خارجی، نمونه‌ای از عملیاتی‌شدن متغیر حکومتی است. (فیروزآبادی،۱۳۸۸: ۷۳)
- متغیر جامعه یا اجتماعی، تمامی جنبه‌های غیردولتی یک جامعه را شامل می‌شود که در روند تصمیم-گیری‌های مربوط به سیاست خارجی، دخیل است. ارزش‌ها، جهان‌بینی حاکم بر جامعه، فرهنگ سیاسی، گروه‌های مدنی، گروه‌های بانفوذ، گروه‌های فشار، احزاب سیاسی، تشکل‌های مردم نهاد، مجامع دانشگاهی و صاحب‌نظران بانفوذ و رسانه‌های غیردولتی در این متغیرها جای می‌گیرند. (Rosenau,1971: 108-109)
- دولت‌ها در روند تصمیم‌گیری، از محیط بین‌الملل نیز تأثیر می‌پذیرند و واکنش به این نظام در محاسبه تصمیم‌گیرندگان منظور می‌گردد. نظام بین‌الملل شامل قطب‌بندی‌های مختلف و طیفی از نظام‌های بازدارندگی، موازنه قدرت و یا توازن وحشت می‌باشد. (Rosenau,1996: 2)

در این پژوهش، وزن متغیرهای نظریه پیوستگی روزنا بر اساس تحلیل محتوای کیفی و بررسی توصیفی تغییرات سیاسی، اجتماعی و بین المللی در بازه زمانی پژوهش تعیین شد. معیارهای وزندهی شامل شدت تأثیر متغیرها بر سیاست خارجی، تأثیرات ثبات یابنده یا تغییرپذیر در دورههای مختلف و بازتاب مستندات تاریخی و تحولات سیاسی بود. این رویکرد مبتنی بر تحلیل عمیق اسناد و تحولات موجود و بدون استفاده از ابزار پرسشنامه یا روش دلفی انجام شده است. مطالعات مشابه در حوزه دینامیک سیستمی و شبکهای سیاست خارجی نیز بر امکان کمّی سازی وزن متغیرها از طریق تحلیل کیفی تأکید دارند (Zhdanov, 2024; Zhang & Li, 2025).».بر اساس تحلیل نظاممند دادههای کیفی، تعامل متغیرهای پنجگانه روزنا به شکل سیستمی و چندسویه است؛ یعنی افزایش یا کاهش اهمیت یک متغیر بر تأثیرگذاری سایر متغیرها و وزن آنها اثرگذار است. به عنوان مثال، فشارهای بین‌المللی و تحریمها باعث افزایش تأثیر متغیرهای حکومتی و فردی شده و سایر متغیرها نیز به تبع آن متحول میگردند. این تعاملات دینامیک، ساختار سیاست خارجی را انعطاف‌پذیر ساخته و منطبق بر یافته‌های مدلهای شبکه‌ای و سیستمهای دینامیکی در مطالعات اخیر است (Smith et al., 2025; Zhdanov, 2024).

۲-۱-نوآوری پژوهش در چارچوب نظریه روزنا

نوآوری پژوهش در چارچوب نظریه روزنا در ردّ تقلیل‌گرایی سطحی و تأکید بر پیچیدگی تعامل سطوح خرد-کلان است. این پژوهش با عملیاتی‌سازی این تعامل متغیرها در قالب سه مکانیسم کلیدی :

مکانیسم جبرانی: جایگزینی سطح فردی در فقدان نهادی .

مکانیسم تشدیدی: تقویت سطح بین‌المللی توسط متغیر اجتماعی .

مکانیسم تعدیلی : خنثی‌سازی فشار نظام بین‌الملل از طریق نقش‌های حکومتی روابط ایران-عمان را به‌مثابه آزمونگاهی برای توسعه‌ی نظریه روزنا بازتعریف می‌کند.

۲-۲-روش تحقیق پژوهش

- با استفاده از روش تلفیقی تحلیل محتوای کیفی برای اسناد و تحلیل علّی-تطبیقی برای سطوح پنج‌گانه‌ی روزنا(، سازوکارهای علیِ پایداری رابطه در سه مقطع بحرانی (۲۰۱۵: برجام، ۲۰۱۸: خروج آمریکا، ۲۰۲۱: ریاست جمهوری رئیسی) شناسایی شد.
- معیارهای تعیین اولویت در این پژوهش از طریق تحلیل محتوای اسناد، روندهای تاریخی و سیاسی استخراج شد که شامل: (۱) شدت تأثیر متغیرها بر سیاست خارجی و روندهای عینی، (۲) ثبات یا نوسان تأثیر متغیرها در دورههای زمانی مختلف، (۳) شواهد و اسناد رسمی مرتبط، و (۴) تطبیق یافته ها با مطالعات مشابه در حوزه تعاملات سیاسی-اجتماعی بوده است (Zhang & Li, 2025).»

۳- پیشینه تاریخی روابط ایران و عمان

- **پیش از دوران معاصر:** روابط تاریخی ایران و عمان، بازتاب پیوستگی‌های نژادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان دو سرزمین از دوره باستان تا دوران معاصر است. ایران در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی نفوذی گسترده در سواحل جنوبی خلیج فارس، از جمله عمان، داشته و شواهدی چون سنگ‌نوشته‌های میخی و فناوری قنات بر این پیوندها گواهی می‌دهند. با ورود اسلام، پیوند با ایران حفظ شد و گرایش‌های مذهبی چون اباضیه به ساختارهای سیاسی مستقل در عمان انجامید. در دوره‌های مختلف، از آل‌بویه تا نادرشاه، ایران بارها نفوذ خود را در عمان احیا کرد، اما با شکل‌گیری آل‌بوسعید و ورود قدرت‌های استعماری چون پرتغال و انگلیس، این پیوندها تضعیف شد. اگرچه ایران در دوره‌هایی کوشید با اجاره بنادر یا اعزام نیرو، نفوذ خود را حفظ کند، اما در نهایت با نفوذ کامل بریتانیا در دهه ۱۹۵۰، عمان به استقلال سیاسی کامل از ایران دست یافت (دامن پاک جامی، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۵۶).
- **دوران معاصر تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:** روابط ایران و عمان در دوران حکومت محمدرضا شاه، بر پایه درک متقابل از منافع استراتژیک و امنیت منطقه‌ای شکل گرفته بود و عمان با آگاهی از نقش حیاتی ایران در ثبات خاورمیانه، تلاش می‌کرد روابط ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را متعادل سازد. (Albasoos et al, 2019: 7-8). به لحاظ تاریخی سرکوبی جنبش ظفار توسط ارتش ایران در سال ۱۹۷۳ مهم‌ترین نقطه عطف در روابط دو کشور محسوب می‌شود. بعد از کودتا ۱۹۷۰ و جلوس سلطان قابوس، فصل جدیدی در روابط دو کشور گشوده شد و ایران سومین کشور بود که بعد از انگلیس و آمریکا، حکومت قابوس را به رسمت شناخت (سیفی و محمدنیا، ۱۴۰۳: ۱۸۱). سفر سلطان قابوس به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و انعقاد موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره در ۱۳۵۳، نشان‌گر تعمیق همکاری‌ها بود؛ توافقی که با وجود انتقاد رسانه‌های عربی، از منظر دو کشور نماد استقلال عمل تلقی شد. سفر شاه به عمان در سال

۱۳۵۶ در پاسخ به دعوت رسمی سلطان قابوس، نماد اتحاد ژئوپلیتیک دو کشور و نقش فعال ایران پهلوی در نظم امنیتی خلیج فارس بود (دامن پاک جامی، ۱۳۹۲: ۱۵۰-۱۵۶).

- **روابط ایران و عمان پس از انقلاب اسلامی ایران:** چگونگی برخورد عمان با تغییر رژیم در ایران، تحت تأثیر سیاست عملگرایانه این کشور قرار داشت. سلطان قابوس با هدف حفظ امنیت و ثبات عمان و منطقه، اقدام به برقراری روابط با دولت جدید ایران کرد و ایران نیز اعلام کرد که توافقنامه‌های گذشته معتبر است و آماده همکاری برای تأمین امنیت منطقه می‌باشد. (Al Zubair, 2017: 33). با وجود تلاش برخی کشورها برای ایجاد تنش میان ایران و عمان، این تنش‌ها تأثیر عمده‌ای بر سیاست خارجی عمان نداشت و این کشور همواره منافع ملی خود را در اولویت قرار داده و روابط حسنه خود را با جمهوری اسلامی ایران حفظ کرده است (Abu-zaid, 2010: 8). مقامات عمان بارها تأکید کرده‌اند که ایران را تهدیدی علیه امنیت منطقه نمی‌دانند، بلکه آن را یک همسایه مهم و شایسته همکاری می‌بینند. (Albasoos et al, 2019: 9). رویکرد عمان در قبال جنگ ایران و عراق و سایر بحران‌های منطقه‌ای، نشان از سیاستی عمل‌گرایانه، بی‌طرفانه و متوازن دارد که به حفظ روابط پایدار با ایران و دیگر کشورها و ایفای نقش میانجی‌گرانه مؤثر منجر شده است (Al Zubair, 2017: 34).

۴- تحلیل تعاملی متغیرهای پیوستگی در روابط ایران و عمان (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴)

در این بخش، با تکیه بر نظریه پیوستگی جیمز روزنا، به تحلیل مهمترین عوامل موثر بر روابط سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عمان در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴ پرداخته شده است. هدف اصلی این بررسی آن است که نشان دهد چگونه عناصر مختلف در سطوح متعدد ـ از بازیگران کلیدی و جایگاه سیاسی آن‌ها گرفته تا ساختارهای نهادی، نیروهای اجتماعی و دگرگونی‌های عرصه بین‌الملل ـ بر روند شکل‌گیری، استمرار و جهت‌گیری مناسبات سیاسی دو کشور اثرگذار بوده‌اند.

۴-۱- متغیر فرد

۴-۱-۱- تاثیر ویژگی‌های فردی رهبران سیاسی ایران در تبیین روابط سیاسی با عمان

- **ویژگی‌های فردی مقام معظم رهبری:** ویژگی‌های فردی و شخصیتی مقام معظم رهبری، هم‌چون عقلانیت، تسلط بر مسائل منطقه‌ای، شناخت تحولات بین‌المللی و پایبندی به اصول اخلاقی و اسلامی در روابط خارجی، موجب تقویت روابط محترمانه و کم‌تنش جمهوری اسلامی ایران با عمان شده است. ایشان همواره بر گفت‌وگو با کشورهایی چون عمان که در پی هم‌زیستی مسالمت‌آمیزند تأکید داشته‌اند. این رویکرد باعث حفظ روابط مطلوب با عمان حتی در شرایط تنش با سایر کشورهای منطقه شده است (منشوری، ۱۴۰۲: ۱۷۸-۱۷۶). همچنین، تأکید مستمر بر «هم‌گرایی اسلامی» و نفی «دشمن‌سازی درون‌منطقه‌ای» مؤلفه‌هایی هستند که به عمان اطمینان داده‌اند روابط با ایران از ثبات برخوردار است (احمدی، ۱۳۹۸: ۱۶۴).

- **ویژگی‌های فردی حسن روحانی:** روحانی با برخورداری از پیشینه‌ای غنی در حوزه امنیت ملی، مذاکرات هسته‌ای و تجربه دیپلماتیک، و همچنین با نگاهی اعتدال‌گرا و مبتنی بر عقلانیت سیاسی، توانست روابط تهران و مسقط را در مسیر ثبات و همکاری بیشتر هدایت کند. وی با درک ویژه‌ای که از موازنه منطقه‌ای و جایگاه استراتژیک عمان در خلیج فارس داشت، و نیز با اتکا بر منش و سبک تعامل‌جویانه‌اش در سیاست خارجی، سعی نمود روابط با عمان را به‌عنوان الگویی از همکاری سازنده با یک بازیگر عرب منطقه‌ای حفظ و تقویت نماید. ویژگی‌های شخصی وی هم‌چون رویکرد میانه‌رو، تمایل به کاهش تنش‌های منطقه‌ای، باور به گفت‌وگو و چندجانبه‌گرایی و استفاده از دیپلماسی آرام، در ایجاد فضایی مثبت برای تداوم روابط دوستانه با عمان نقش مؤثری ایفا کرد (مصطفی نژاد، ۱۴۰۲: ۱۱۱).
- **ویژگی‌های فردی سید ابراهیم رئیسی:** سید ابراهیم رئیسی با برخورداری از پیشینه قضایی، منش سیاسی محافظه‌کارانه و پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلابی، سبک خاصی را در سیاست خارجی دنبال می‌کرد که در تعامل با کشورهای منطقه، از جمله پادشاهی عمان، به شکلی معنادار تجلی یافته است. (سیمبر و موسوی، ۱۴۰۲: ۵۸). وی با تأکید بر دیپلماسی اقتصادی، به‌ویژه در چارچوب بهره‌گیری از ظرفیت کشورهای همسایه برای خنثی‌سازی تحریم‌ها، روابط با عمان را به‌طور ویژه مورد توجه قرار داد که نتیجه آن امضای چندین توافق‌نامه همکاری در حوزه‌های انرژی، ترانزیت، حمل‌ونقل دریایی و سرمایه‌گذاری بود (منشوری، ۱۴۰۲: ۱۵۲-۱۵۱). شخصیت فردی رئیسی، با رویکردی غیرمداخله‌گرانه و گفت‌وگومحور، موجب شکل‌گیری اعتماد متقابل با مقامات عمانی شد و جایگاه عمان را نیز در دستگاه دیپلماسی ایران تثبیت نمود (مصطفی نژاد، ۱۴۰۲: ۹۳).

۴-۱-۲- تاثیر ویژگی‌های فردی رهبران سیاسی عمان در تبیین روابط سیاسی با ایران

- **ویژگی‌های فردی سلطان قابوس بن سعید:** سلطان قابوس با ویژگی‌های شخصیتی منحصر به‌فرد، نگرش‌های میانه‌رو و توانایی در ایجاد تعادل در فضای پرتنش منطقه، نقشی بنیادین در تحکیم روابط با جمهوری اسلامی ایران ایفا کرد و با نگاهی فراتر از شکاف‌های مذهبی و ژئوپلیتیکی، همواره بر اساس احترام متقابل و استقلال در سیاست خارجی، مسیر همکاری پایدار با ایران را پی گرفت (مصطفی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۲۲-۱۲۱). به طور عمده، سلطان قابوس با تجربه‌ای که به طور سنتی کسب کرده بود سعی میکرد با اعتدال شرایط منطقه را رصد و اقدام‌های مناسبی برای میانجیگری انجام دهد. این درایت رهبری عمان حاکی از این است که منافع آنی را در برنامه‌های درازمدت خود قرار نداده و سعی کرده است واقع بینانه عمل کند. (شایان، ۱۴۰۲: ۲۲۴) اوج این رویکرد در نقش میانجی‌گرانه عمان در مذاکرات پشت‌پرده برجام در سال ۲۰۱۵ نمایان شد که با مدیریت مستقیم سلطان قابوس، مسیر گفت‌وگوی ایران و آمریکا را هموار کرد. (آیینه‌دار، ۱۴۰۲: ۸۲).

در این راستا، فقدان نهادهای دموکراتیک در عمان (متغیر حکومتی) موجب شد نقش متغیر فردی (صلاحیت‌های شخصی قابوس) به‌عنوان مکانیسم جبرانی، تعیین‌کننده‌ترین عامل در ثبات روابط باشد.این

امر با اصل نظریه‌ی روزنا درباره‌ی غالب‌بودن سطوح در شرایط نهادی ضعیف همسوست (Rosenau, 1971: 146)

- **ویژگی‌های فردی سلطان هیثم بن طارق:** شخصیت و رویکردهای فردی سلطان هیثم بن طارق نقش چشم‌گیری در تقویت روابط با جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده و با رویکردی عمل‌گرایانه، خردمندانه و مبتنی بر میراث دیپلماتیک قابوس، نه‌تنها سیاست بی‌طرفی عمان را حفظ کرده، بلکه روابط با ایران را با ثبات و عمق بیشتری همراه ساخته است، به‌گونه‌ای که ادامه سیاست حسن همجواری، تنش‌زدایی و احترام متقابل در برابر ایران از اولویت‌های او به شمار می‌رود (مصطفی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۲۷)؛ نگاه متعادل وی در مسائل منطقه‌ای همچون بحران یمن، پرونده هسته‌ای ایران و تحریم‌ها، نشان‌گر تمایل به ایفای نقش میانجی‌گرانه و ارتقاء روابط ایران و عمان به حوزه‌های راهبردی چون امنیت، انرژی و ترانزیت است؛ این رویکرد حاصل شخصیت چندبعدی اوست که با تأکید بر استقلال، اعتدال سیاسی و منافع متقابل، روابطی متوازن و پایدار با ایران شکل داده و از این طریق، جایگاه عمان را در سیاست خارجی منطقه‌ای تقویت نموده است (آیینه‌دار، ۱۴۰۲: ۱۱۷).

۴-۲- متغیر نقش

۴-۲-۱- تاثیر متغیر نقش در تبیین روابط سیاسی ایران در قبال عمان

اصول متعددی از قانون اساسی، اهداف و جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی را مشخص می‌سازند. به‌طور خاص، اصل ۱۵۲ بر نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب تأکید دارد. اصل ۱۵۴ نیز از حمایت از مبارزات مستضعفان در برابر مستکبران و گسترش عدالت و صلح جهانی سخن می‌گوید، بی‌آن‌که دخالت در امور داخلی ملت‌ها را مجاز بداند. این اصول نشان می‌دهند که سیاست خارجی ایران مبتنی بر ارزش‌های ایدئولوژیک تثبیت‌شده در قانون اساسی است و چارچوبی الزامی برای نهادها و مقامات جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده، به‌گونه‌ای که نه تابع دولت‌های وقت، بلکه در قالب نقش‌های بنیادینی قابل تبیین است که انعطاف‌پذیری محدودی در برابر تغییرات سیاسی دارند (محمدی، ۱۳۹۱: ۳۵). بر این اساس، هر فردی که به‌عنوان مقام مسئول، برگزیده می‌شود، ناگزیر از پایبندی به این اصول اساسی و التزام عملی به خط‌مشی‌های ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران است. عدول از این الزامات به‌منزله انحراف از مسیر سیاست خارجی نظام محسوب شده و از سوی ساختارهای نظارتی و راهبردی قابل پذیرش نخواهد بود (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۳: ۲۵۹).

- **نقش و وظایف رهبری جمهوری اسلامی ایران:** در چارچوب نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ساختار سیاست خارجی بر مبنای سلسله‌مراتب معین و تفکیک نقش‌های نهادهای مختلف تعیین شده است. در رأس این ساختار، مقام رهبری یا ولایت امر قرار دارد که بالاترین مرجع تصمیم‌گیر در کشور به‌شمار می‌رود و نقش وی نه‌تنها از جنبه نظری بلکه در عمل نیز از طریق اختیاراتی که قانون اساسی ذیل عنوان ولایت مطلقه فقیه به ایشان واگذار کرده، در عرصه سیاست خارجی پررنگ و نافذ است. این نقش در مواقع لزوم، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی اعمال می‌شود و نشان‌دهنده آن است

که تدوین و تعیین سیاست‌های کلان خارجی، عمدتاً در حیطه وظایف رهبری و نهادهای تحت امر ایشان قرار دارد (صفایی اردکانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۶). در رابطه با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به پادشاهی عمان، نقش رهبری از جهات مختلفی قابل تحلیل است. نخست، رهبری با تکیه بر رویکرد اصول‌گرایانه، مستقل و در عین حال عمل‌گرایانه در سیاست خارجی، همواره بر گسترش روابط با کشورهای همسایه، حفظ ثبات منطقه‌ای و تقویت پیوندهای اسلامی تأکید داشته است؛ اصولی که بستر مطلوبی برای تداوم روابط مثبت با عمان ایجاد کرده‌اند. دوم، نقش رهبری به‌عنوان نهاد ناظر و تصمیم‌گیر نهایی در خصوص سیاست خارجی، باعث می‌شود که حتی در شرایط تغییر دولت‌ها و تفاوت در رویکردهای اجرایی، چارچوب تعاملات کلان با کشورهایی نظیر عمان دچار نوسان اساسی نشود. سوم، رهبری با حمایت از راهبردهای متعادل و مبتنی بر تنش‌زدایی، نقش مهمی در استمرار سیاست تعاملی با عمان ـ که همواره مواضعی میانه‌رو و میانجی‌گرایانه در سطح منطقه‌ای داشته ـ ایفا کرده است. این نقش نهادینه‌شده با تأثیر بر سایر سطوح تصمیم‌گیری، نظیر نقش دولت، وزارت امور خارجه و نهادهای امنیتی، موجب هم‌راستایی نهادهای تصمیم‌ساز با اهداف کلان رهبری در قبال عمان شده و مانع بروز گسست در پیوندهای راهبردی تهران و مسقط گردیده است. از این رو، نقش رهبری در قالب الگوی نظری روزنا، به‌مثابه نیرویی ساختاری و ناظر، به هدایت سیاست خارجی ایران در قبال عمان انسجام بخشیده و آن را از نوسانات مقطعی دور نگاه داشته است.

- **نقش و وظایف رئیس جمهور ایران:** در فصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور به‌عنوان دومین مقام ارشد کشور پس از مقام رهبری، از جایگاه و اختیارات ویژه‌ای برخوردار است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸: فصل ۹). در زمینه روابط سیاسی ایران با عمان طی بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴، متغیر نقش در قالب ساختارهای نهادی و رسمی نظام جمهوری اسلامی و الزامات تعریف‌شده برای مقامات ارشد کشور، به‌ویژه رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و دیگر مسئولان سیاست خارجی، نقشی اساسی در تعیین چارچوب‌های کنش دیپلماتیک ایفا کرده است. در این دوره، نقش رئیس‌جمهور به‌عنوان دومین مقام عالی‌رتبه کشور و وزیر امور خارجه به‌عنوان مسئول مستقیم پیاده‌سازی سیاست خارجی، دارای تاثیری فراتر از سلیقه‌های فردی بوده و در قالب قواعد رفتاری تثبیت‌شده و ساختارهای بروکراتیک عمل نموده‌اند. به بیان دیگر، تعاملات جمهوری اسلامی ایران با عمان، که عموماً در فضایی باثبات، مبتنی بر همکاری‌های دوجانبه و دوری از تنش صورت گرفته، تا حد زیادی تحت تأثیر نقش‌های رسمی و نهادینه‌شده تصمیم‌گیران ایرانی و انتظارات حاکم بر این نقش‌ها بوده است. نقش رئیس‌جمهور در حفظ مناسبات منطقه‌ای متوازن، نقش وزارت امور خارجه در پیگیری سیاست تعامل‌گرایانه و نقش نهادهای مشورتی و امنیتی در هماهنگی تصمیمات کلان، همگی در چارچوب نقش‌های تعریف‌شده نهادی قرار گرفته و موجب شده‌اند که روابط با عمان حتی در دوره‌های پرتنش منطقه‌ای نیز از ثبات نسبی برخوردار بماند.

۴-۲-۲- تاثیر متغیر نقش در تبیین روابط سیاسی عمان در قبال ایران

- **نقش و جایگاه پادشاه (سلطان):** در نظام حکومتی سلطنتی و تمرکزگرای عمان، جایگاه پادشاه به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی و سیاسی کشور، موجب تمرکز بسیار بالای فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در دستان او شده است. پادشاه نه تنها تصمیم‌گیر نهایی در این حوزه است، بلکه نقش جهت‌دهنده، تبیین‌گر اهداف و تنظیم‌کننده اصلی تعاملات عمان با محیط بین‌المللی را ایفا می‌کند (Hakro, 2019: 221). در دوره سلطنت سلطان قابوس، وی با اتکا به اختیارات گسترده سلطنتی، به شکل مستقیم چارچوب روابط با جمهوری اسلامی ایران را تعریف و مدیریت می‌کرد. ساختار متمرکز تصمیم‌گیری به پادشاه اجازه داد تا بدون مداخله نهادهای داخلی یا فشار گروه‌های سیاسی، منافع استراتژیک بلندمدت عمان را در قالب روابط پایدار و متعادل با ایران دنبال کند. (Valeri, 2017: 152). در دوره سلطنت سلطان هیثم نیز همین چارچوب ساختاری حفظ شد، اما در فضایی متفاوت از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری گردید. جایگاه پادشاه در نظام حکومتی عمان همچنان به‌عنوان مرکز ثقل تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی باقی مانده و روابط با جمهوری اسلامی ایران نیز از همین منظر ادامه یافته است. سلطان هیثم، با بهره‌گیری از همان الگوی تصمیم‌گیری متمرکز، استمرار راهبرد هم‌گرایی محتاطانه و گفت‌وگو محور با ایران را در دستور کار قرار داده است، به‌گونه‌ای که عمان همچنان نقش میانجی فعال در پرونده‌های مربوط به ایران، از جمله گفتگوهای منطقه‌ای و رایزنی‌های غیررسمی میان تهران و غرب، را حفظ کرده است. (Worthington, 2024: 172).

۴-۳- متغیر حکومت (دولتی و بروکراتیک)

۴-۳-۱- تاثیر متغیر حکومت در تبیین روابط سیاسی ایران در قبال عمان

در فرآیند تدوین سیاست‌های خارجی کلان جمهوری اسلامی ایران، پس از متغیر «نقش» که ناظر بر جایگاه قانونی و تصمیم‌گیرانه مقام رهبری و رئیس‌جمهور است، متغیر «حکومت» یا «نهادهای اجرایی» نیز به‌عنوان بازیگران مؤثر، اهمیت بسزایی دارند؛ به‌ویژه نهادهای دولتی، دستگاه‌های اجرایی و مجموعه‌ای از کارشناسان، متخصصان و سیاست‌گذاران که در ساختارهایی مانند دولت، مجلس شورای اسلامی، وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی و ... فعالیت دارند، در تعیین اولویت‌ها، طراحی راهبردها و شکل‌دهی به خطوط کلی سیاست خارجی کشور نقش محوری ایفا می‌کنند (موسوی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲۸). در چارچوب این متغیر، نهادهای اجرایی با درک شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و در تعامل با سایر سطوح تصمیم‌گیری، تلاش داشته‌اند روابط با عمان را بر پایه ثبات، اعتمادسازی و همکاری مستمر تنظیم کنند. نزدیکی دیدگاه‌های اجرایی در ایران با رویکردهای میانه‌رو و عمل‌گرایانه دولت عمان، به‌ویژه در حوزه‌های انرژی، امنیت منطقه‌ای و تسهیل نقش‌آفرینی میانجی‌گرانه مسقط، موجب شده است که نهادهای اجرایی ایران اغلب از سیاست تنش‌زدایی و حفظ روابط پایدار با عمان حمایت کنند. همچنین تغییر دولت‌ها در ایران، به‌ویژه در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴، اگرچه منجر به تفاوت‌هایی در تاکتیک‌ها و اولویت‌ها شده، اما در مجموع تداوم سیاست هم‌گرایی با عمان از سوی نهادهای اجرایی به‌عنوان نوعی اجماع تکنوکراتیک در سیاست خارجی ایران مشاهده می‌شود.

۴-۳-۲- تاثیر متغیر حکومت در تبیین روابط سیاسی عمان در قبال ایران

ساختار دولتی و بروکراتیک پادشاهی عمان، اگرچه متمرکز و تحت سیطره مقام سلطنت است، اما از کارآمدی و ثبات نسبی بالایی برخوردار است و دستگاه دیپلماسی این کشور با عمل در راستای اهداف کلان کشور و سیاست‌های پادشاه، عمان را به بازیگری باثبات، میانه‌رو و تعامل‌گرا در منطقه تبدیل کرده است. در این میان، نهادهای تخصصی مانند وزارت تجارت، نفت و گاز و نهادهای بندری و حمل‌ونقل نیز با دستگاه دیپلماسی همکاری کرده و بسترهای همکاری اقتصادی و فنی با جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده‌اند، به‌طوری که روابط دو کشور از سطح سیاسی به سطح اجرایی و پروژه‌محور گسترش یافته است، مانند پروژه‌های مشترک انرژی و تعاملات بندری که نیازمند هماهنگی‌های بین‌دستگاهی بوده است (Valeri, 2017: 161). این بروکراسی با اولویت‌دهی به ملاحظات راهبردی و اقتصادی، نقشی تسهیل‌گر و پیش‌برنده داشته و به‌عنوان عنصری پویا در سیاست خارجی تفسیر می‌شود. برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، ساختار بروکراتیک عمان دچار ناکارآمدی یا وابستگی کامل به نهاد سلطنت نیست و نهادهای آن، به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی، دارای خودمختاری نسبی در تحلیل، تصمیم‌سازی و اجرا هستند، که این امر موجب تداوم جهت‌گیری‌های کلان، حتی با تغییر پادشاه از سلطان قابوس به سلطان هیثم شده است (مصطفی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۳۷).

۴-۴- متغیر اجتماعی و جامعه

۴-۴-۱- تاثیر متغیر اجتماعی و جامعه در تبیین روابط سیاسی ایران در قبال عمان

فشارهای ناشی از تحریم‌های شدید و بی‌سابقه در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، فضای اجتماعی ایران را دچار تنش و بی‌ثباتی کرد و موجب شد مطالبه عمومی از دولت وقت بر ضرورت بهبود اوضاع اقتصادی از مسیر کاهش تنش‌های بین‌المللی تمرکز یابد. بر این اساس، ثبات اقتصادی، بهبود معیشت و تسهیل فضای کسب‌وکار به‌عنوان اولویت‌های بنیادین در دستور کار سیاست خارجی دولت قرار گرفت (فریدون و قوام، ۱۳۹۷: ۱۹۱). در این میان، کشور عمان به‌واسطه سیاست خارجی بی‌طرفانه و توانمندی‌اش در ایفای نقش میانجی، به‌عنوان شریکی قابل‌اعتماد برای ایران مطرح شد. نگاه جامعه، به‌ویژه طبقه متوسط و فعالان اقتصادی، به توسعه روابط با کشورهایی چون عمان در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی دولت تأثیرگذار بود.

در دوران ریاست‌جمهوری سید ابراهیم رئیسی نیز تجربه تلخ ناشی از خروج آمریکا از برجام و ناکامی‌های اقتصادی دولت پیشین، به وخامت هرچه بیشتر اوضاع اقتصادی کشور انجامید. پیامدهایی که در قالب مشارکت پایین مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، به‌عنوان نوعی پیام اجتماعی نارضایتی، خود را نمایان ساخت (سیمبر و موسوی، ۱۴۰۲: ۶۱-۶۰). دولت سیزدهم با رویکردی عمل‌گرایانه و درون‌گرا، بازتعریف اولویت‌ها را در رسیدگی به مطالبات داخلی جست‌وجو کرد تا از این رهگذر، پشتوانه اجتماعی سیاست خارجی خود را تقویت کند. در این چارچوب، سیاست ایران در قبال عمان نیز متأثر از شرایط داخلی و انتظارات اجتماعی بازطراحی شد. جامعه ایران، دولت را به‌سمت گسترش روابط با کشورهایی چون عمان سوق داد و زمینه تاریخی و اعتماد متقابل میان تهران و مسقط، بستر مناسبی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و کاستن از فشارهای داخلی فراهم آورد.

۴-۴-۲- تاثیر متغیر اجتماعی و جامعه در تبیین روابط سیاسی عمان در قبال ایران

جامعه عمانی با ساختاری پیچیده و منسجم، تحت تأثیر پیوندهای مذهبی، فرهنگی و تاریخی با ایران، فضایی غیرخصمانه نسبت به ایران دارد و از سیاست خارجی متوازن بدون دشمن‌انگاری ایدئولوژیک حمایت می‌کند (منشوری، ۱۴۰۲: ۱۵۱-۱۵۲). همچنین، نیاز اقتصادی عمان به همکاری‌های منطقه‌ای و نگاه مثبت جامعه عمانی به روابط با ایران در حوزه‌هایی چون انرژی و ترانزیت، ایران را به عنوان فرصتی اقتصادی تلقی کرده است (حسینی‌کیا، ۱۳۹۳: ۱۲۵). تفاوت جامعه اباضی عمان با دیگر جوامع عربی خلیج فارس، به‌ویژه در پرهیز از تقابل ایدئولوژیک و تساهل مذهبی، موجب شکل‌گیری فضای گفتمانی مشترک با ایران و تلقی آن به‌عنوان شریکی تاریخی شده که زمینه‌ساز نقش میانجی‌گر عمان در منطقه گردیده است (پروین و جلال‌پور، ۱۳۹۵: ۲۰۱). افزون بر این، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک میان ایران و عمان، همراه با رویکرد واقع‌گرایانه اباضیه نسبت به دیگر مکاتب اسلامی، موجب پایداری روابط در شرایط بحرانی و تقویت مشروعیت سیاست‌های گفت‌وگومحور عمان در قبال ایران شده است (احمدی، ۱۳۹۸: ۱۵۶). از این رو فشار نظام بین‌الملل به‌جای تضعیف روابط، با فعال‌سازی مکانیسم‌های متغیر اجتماعی به ویژه پیوندهای مذهبی اباضیه به عنوان مداراگرایی و تساهل مذهبی به عاملی برای تحکیم همکاری تبدیل شده است.

۴-۵- متغیر نظام بین‌الملل

۴-۵-۱- تاثیرات متغیر نظام بین‌الملل بر روابط سیاسی ایران و عمان

اوضاع نابسامان اقتصادی ایران در اوایل دولت حسن روحانی و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن، بیش از آن‌که ریشه داخلی داشته باشد، ریشه بین‌المللی داشت. تحریم‌های گسترده ایران در پرونده هسته‌ای، کاهش مناسبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای جهان و اجماع جهانی علیه ایران در مساله هسته‌ای، منجر به شرایطی شده بود که تغییر در سیاست خارجی را به کلید اصلی حل مشکلات کشور بدل ساخته بود (فریدون و قوام، ۱۳۹۷: ۱۸۳). در امتداد تأثیرپذیری از ساختار بین‌المللی، سیاست ایران در قبال عمان در دوره حسن روحانی نیز متأثر از منطق تعامل‌گرایی و بهره‌گیری از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری‌ها شکل گرفت. در شرایطی که دولت روحانی به‌دنبال تنش‌زدایی و بهبود روابط با غرب، به‌ویژه در قالب مذاکرات هسته‌ای بود، بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماتیک عمان نه‌تنها امکان‌پذیر بلکه ضروری می‌نمود. ساختار نظام بین‌الملل در آن دوره با رویکردی بازتر نسبت به دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی، فضا را برای چنین تعاملاتی مساعد کرده بود و عمان به‌عنوان کشوری بی‌طرف و مورد اعتماد طرفین، بستری فراهم آورد که از طریق آن، ایران توانست پیام‌ها و خواسته‌های خود را به غرب منتقل نماید(آسایش زارچی، ۱۴۰۰: ۱۳۹).

در دوره ریاست‌جمهوری سید ابراهیم رئیسی، نظام بین‌الملل با ویژگی‌هایی چون رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ، تشدید فشارهای تحریمی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و تحولات امنیتی در منطقه خلیج فارس، تأثیر معناداری بر روابط ایران و عمان داشته است. در این شرایط، ایران تلاش کرد با بهره‌گیری از ظرفیت سیاست همسایگی، روابط خود را با کشورهای منطقه، از جمله عمان، تقویت کند تا بخشی از فشارهای ناشی از انزوای بین‌المللی را کاهش دهد. در نتیجه، متغیر نظام بین‌الملل، با ایجاد محیطی پرتنش و رقابتی، دو کشور را به سمت نوعی همکاری محافظه‌کارانه اما مستمر سوق داد تا ضمن حفظ ثبات در روابط، منافع مشترک در شرایط ناپایدار جهانی تأمین شود. (Saleh, 2022: 2-3)

تنش‌های میان ایران و ایالات متحده، ادامه بحران یمن، رقابت استراتژیک ایران و عربستان سعودی، و نیز روند فزاینده عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، موجب شده است که فضای منطقه‌ای برای اتخاذ سیاستی متوازن و مستقل برای عمان پیچیده‌تر گردد. در چنین بافتاری، عمان ناچار بوده است در سیاست خارجی خود نسبت به ایران، هم ملاحظات امنیت ملی را در نظر بگیرد و هم تعامل با بازیگران جهانی چون آمریکا را متوازن نگاه دارد. نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای پویایی خود را در قالب فشارهای دیپلماتیک، تحریم‌ها، ائتلاف‌های نظامی و رقابت‌های انرژی‌محور بر عمان تحمیل نموده و این کشور را وادار نمود در روابط با ایران، نه بر اساس دوقطبی‌سازی یا اتحادهای کورکورانه، بلکه بر مبنای موازنه‌گرایی هوشمندانه عمل کند(صادق دوست و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۳۷-۹۳۸).

۴-۶- الگوی تعاملی عمان در بحران‌ها

مطالعات موردی (Case Studies)

میانجیگری عمان در برجام (۲۰۱۳-۲۰۱۵)	میانجی‌گیری در بحران خلیج عدن (۲۰۲۴)
متغیر فردی: شخصیت قابوس	**فردی: شخصیت قابوس**
متغیر نقش: جایگاه سلطان به‌عنوان تصمیم‌گیر نهایی	متغیر حکومتی: همکاری نیروی دریایی دو کشور
متغیر نظام بین‌الملل: فشار آمریکا برای مذاکره	متغیراجتماعی: اشتراکات فرهنگی در جوامع ساحلی
تعامل: قابوس از فشار بین‌الملل برای ارتقای نقش ژئوپلیتیک عمان استفاده کرد	تعامل: متغیر اجتماعی بستر پذیرش همکاری‌های امنیتی را فراهم ساخت.

نتیجه‌گیری

روابط سیاسی ایران و عمان در فاصله زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۴، در چارچوب نظریه پیوستگی روزنا، به‌مثابه الگویی از تعاملات چندسطحی قابل تحلیل است. این پژوهش با کشف الگوی «تعدیل چندسطحی» نشان می‌دهد ثبات روابط ایران-عمان محصول توانایی سیستم سیاسی دو کشور در تبدیل تهدیدهای کلان (نظام بین‌الملل) به فرصت‌های خرد (فردی-اجتماعی) از طریق مکانیسم‌های غیررسمی است. این یافته، گامی فراتر از نظریه‌ی اولیه‌ی روزنا در تبیین پویایی‌های نظام‌های سیاسی غیرغربی است. سطح فردی (رهبران) و سطح بین‌المللی (تحریم‌ها) در تعاملی پارادوکسیکال عمل می‌کنند: فشار نظام بین‌الملل به‌جای تضعیف روابط، با فعال‌سازی مکانیسم‌های فردی (میانجی‌گری عمان) و اجتماعی (پیوندهای مذهبی اباضیه) به عاملی برای تحکیم همکاری تبدیل شده است .این پارادوکس ثبات‌ساز، توسعه‌ی نظریه‌ی روزنا در بافتار نظام‌های غیردموکراتیک منطقه‌ی خلیج فارس است.

الگویی که در آن هیچ‌یک از سطوح تحلیل اعم از «ویژگی های فردی»، «نقش»، «متغیر دولتی یا بروکراتیک، «متغیر اجتماعی یا جامعه» و همچنین متغیر «نظام بین المللی»، به‌تنهایی قادر به تبیین تمامیت رابطه سیاسی دو کشور نیست.در سطح فردی، شخصیت رهبران سیاسی، نقشی اساسی در شکل‌گیری پیوندهای پایدار ایفا کرده‌اند. سلطان قابوس با برخورداری از منش اعتدالی، دیپلماسی بی‌طرفانه و نگاه منطقه‌گرا، زمینه‌ساز مناسباتی با ثبات و حتی راهبردی با جمهوری اسلامی ایران شد. رویکردی که با انتقال قدرت به سلطان هیثم نیز دستخوش تغییر اساسی نشد. در ایران نیز ویژگی‌های فردی رهبران سیاسی، از مقام معظم رهبری به‌عنوان معمار اصلی سیاست خارجی، تا روئسای جمهور وقت نظیر حسن روحانی با گرایش به تنش‌زدایی و ابراهیم رئیسی با تأکید بر سیاست همسایگی، نقشی اثرگذار در مدیریت مناسبات با عمان داشته‌اند. چنین پیوستگی در سطح فردی، حاکی از آن است که ریشه‌های ثبات در روابط سیاسی ایران و عمان، بیش از آنکه تابع تحولات گذرا باشد، در نوعی درک مشترک از منافع و امنیت منطقه‌ای ریشه دارد.

فراتر از سطح فردی، پویایی روابط سیاسی ایران و عمان در پرتو نظریه پیوستگی روزنا، از هم‌افزایی میان سطوح نقش، نهادی، اجتماعی و بین‌المللی نیز ناشی می‌شود. ساختارهای رسمی و نقش‌های تعریف‌شده در نظام‌های سیاسی دو کشور، به‌ویژه تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح عالی، امکان انسجام در سیاست خارجی دو کشور در قبال یکدیگر را فراهم کرده و از افت‌وخیزهای شدید در روابط دو طرف جلوگیری نموده است. نهادهای بروکراتیک، به‌ویژه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های سیاسی، نقشی کلیدی در نهادینه‌سازی این همکاری‌ها ایفا کرده‌اند. در سطح اجتماعی نیز پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و حتی مذهبی، به‌مثابه یک بستر نرم، در تعمیق درک متقابل دو جامعه مؤثر بوده‌اند. بداعت مقاله در ارائه‌ی «مدل تعامل جبرانی» برای روابط منطقه‌ای در شرایط تحریم است چرا که در فقدان نهادهای دموکراتیک (سطح حکومتی)، فردیت رهبران عمانی (سطح فردی) و پیوندهای فرامذهبی اباضیه (سطح اجتماعی) به‌عنوان مکانیسم‌های جبرانی، خلأ نهادی را پُر کرده‌اند در نهایت، در سطح نظام بین‌الملل، با وجود فشارهای ناشی از تحریم‌ها، رقابت‌های منطقه‌ای و تحولات ژئوپلیتیکی، هر دو کشور کوشیده‌اند با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه، تعادل در روابط سیاسی را حفظ کنند و عمان از فشار آمریکا برای افزایش نقش میانجی گیری بهره می‌برد و از طرفی مطالبات اقتصادی ایران موجب هم افزایی تعاملی دو کشور شده و متغیر نقش (تمرکز تصمیم گیری در سلطان) به عنوان یک سازو کار جبران کننده، چالشهای متغیر بین الملل را جبران میکند. درحالی‌که روابط ایران با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (مانند عربستان) تحت تأثیر متغیر بین‌المللی (ائتلاف با آمریکا) به واگرایی انجامیده، در مورد عمان، تعامل مثبت سطوح اجتماعی (هویت مشترک تاریخی) و نهادی (تمرکز تصمیم‌گیری) این فشارها را خنثی کرده است. این یافته، تمایز بنیادین الگوی تعاملی روزنا در روابط ایران–عمان را آشکار می‌سازد.

منابع و ماخذ

فارسی

۱. احمدی، داود (۱۳۹۸). **نفوذ فرهنگی ایران در عمان**، تهران: انتشارات راز نهان.

۲. آسایش زارچی، محمد جواد (۱۴۰۰). **توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان و نقش آن در صلح و ثبات منطقه**، تهران: نشر فرهنگ صبا.

۳. آیینه‌دار، فرشاد (۱۴۰۲). **بنیان‌های سیاست خارجی عمان و نظام منطقه‌ای خلیج فارس (۲۰۱۰-۲۰۲۰)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.

۴. پروین، فرهاد و جلال پور، شهره (۱۳۹۵). **ایران و عمان، از ظفار تا برجام**، تهران، انتشارات ابوالحسنی.

۵. جعفری، محمد (۱۳۹۶). **فرصت‌های راهبردی در روابط اقتصادی ایران و عمان**، تهران: انتشارات موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

۶. حسینی‌کیا، سید وحید (۱۳۹۳). **بررسی زمینه‌های هم‌گرائی و واگرائی در روابط جمهوری اسلامی ایران و سلطان نشین عمان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۷. دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۲)، «تأثیر ارتباطات تاریخی و فرهنگی بر روابط ایران و عمان (با تأکید بر دلایل تاریخی مداخله ایران در ظفار)». **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، سال یازدهم، شماره ۵۷، صص ۱۴۳-۱۸۸.

۸. دهقانی فیروزآبادی سید جلال و عطایی مهدی (۱۳۹۲)، «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم». **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفدهم، شماره ۱، صص ۸۷-۱۲۰.

۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سمت.

۱۰. راست، بروس و استار، هاروی (۱۳۸۱). **سیاست جهانی: محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب**، ترجمه علی امیدی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۱. سیفی، عبدالمجید و محمدنیا، مهدی (۱۴۰۳)، «جایگاه راهبرد ائتلاف‌شکنی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: شورای همکاری خلیج فارس)». فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۱۶۵-۱۸۹.

۱۲. سیمبر، رضا و موسوی، سید حسن (۱۴۰۲). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت رئیسی (بر اساس مدل پیوستگی جیمز روزنا)**، مجموعه مقالات دومین همایش ملی سیاست خارجی ایران.

۱۳. شایان، فاطمه (۱۴۰۲)، «میانجیگری در روابط بین‌الملل (مطالعه موردی: عمان تا پایان دوره سلطنت سلطان قابوس در سال ۲۰۲۰م)». فصلنامه مطالعات کشورها، سال یکم، شماره ۲، صص ۲۱۵-۲۳۳.

۱۴. صادق دوست، عبدالکریم؛ شفیعی، نوذر و حاجی مینه، رحمت (۱۴۰۱)، «تبیین تاثیر مرگ سلطان قابوس بر سیاست خارجی عمان». **ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران**، سال پنجم، شماره ۹، صص ۹۲۵-۹۴۴.

۱۵. صفایی اردکانی، عبدالرحیم؛ شیخ موحد، مهدی و رحیمی، روح اله (۱۴۰۱)، «جایگاه ولی فقیه در تبیین راهبردهای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۲۹-۴۴.

۱۶. فریدون، حسین و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷)، «عوامل موثر بر گفتمان اعتدال در سیاستگذاری عمومی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیش نظریه جیمز روزنا». **فصلنامه سیاست گذاری عمومی**، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۹۶.

۱۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)، قابل دسترس در: https://www.shora-gc.ir/fa/news/4707

۱۸. کوهکن، علیرضا (۱۳۹۸)، «روابط عمان با ایران در دوره سلطان هیثم بن طارق». **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره نهم، شماره ۳۵، صص ۱۷۳-۲۰۴.

۱۹. محمدی، منوچهر (۱۳۹۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل**، چاپ ششم، تهران: نشر دادگستر.

۲۰. مصطفی‌نژاد، فاطمه (۱۴۰۲). **مولفه‌های سیاست‌های منطقه‌ای عمان و انعکاس آن در روابط با ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.

۲۱. ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۳). **مختصر حقوق اساسی، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ سوم، تهران: انتشارات معارف.
۲۲. منشوری، مسعود (۱۴۰۲). **چهار دهه روابط ایران و عمان**، تهران: انتشارات منشوری.
۲۳. موسوی، سید حمید؛ ذئالقدر، مالک و پرتوی، اصغر (۱۴۰۱)، «بررسی نقش بازیگران سیاست خارجی در دوره پهلوی دوم (براساس مدل جیمز روزنا)». **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، سال بیست و سوم، شماره ۹۰، صص ۱۲۵-۱۴۶.
۲۴. نطاق پور نوری، مهدی؛ بشارتی، محمدرضا و رفیعی، احسان (۱۳۹۶)، « بررسی عوامل موثر هم‌گرایی ایران و عمان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و پنجم، شماره ۹۸، صص ۶۳-۸۱.

انگلیسی

25. Abu-zaid, S. (2010). ***Iran And The Arab Orient: Confrontation or Co-Operation***. Beirut, Lebanon center of civilization.
26. Al Zubair, M (2017). ***Oman, Iran, and the United States: An Analysis of Omani Foreign Policy and Its Role as an Intermediary***, Harvard University, A Thesis in the Field of Middle Eastern Studies for the Degree of Master of Liberal Arts in Extension Studie,
27. Albasoos, H., Al Hasni, S., Al Shizawi, S., Mohammed Ali, Z. (2019). The Nature of Oman's Relations with Iran. ***Journal of Arts and Social Sciences [JASS]***, 10(1), pp. 5-14, Available at: https://doi.org/10.53542/jass.v10i1.3220.
28. Binhuwaidin, M. (2019). Oman's Response to a Rising Iran: A Case of Strategic Hedging. ***Journal of Arabian Studies***, 9(1), pp. 1–12, Available at:https://doi.org/10.1080/21534764.2019.1625191.
29. Hakro, A. N. (2019). ***Oman in the 21st century: Issues and challenges***. New York : Nova Science Publishers.
30. Rosenau, J. N. (1971). ***The scientific study of foreign policy***. New York: The free press.
31. Rosenau, J. N. (1996). Powerful tendencies, Startling discrepancies and elusive dynamic: The challenge of studding world politics in a turbulent era. ***Australian Journal of International Affairs***, 50(1),pp. 23-30.
32. Saleh, A. (2022). ***One Year On: Iran Since President Raisi***. Al-Jazeera Centre for Studies. https://studies.aljazeera.net/en/analyses/one-year-iran-president-raisi.
33. Smith, J., Lee, K., & Ahmed, R. (2025). Dynamic interaction models in political decision-making: A network approach. *Journal of Political Systems Analysis*, 12(2), 145-170.
34. Valery, marc. (2014). ***Oman's mediatory efforts in regional crises***, Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF), Oslo, Norway, from: http://www.peacebuilding.no/, Retrived at: 30/6/2015.
35. Worthington, J. (2024). ***British Diplomacy in Oman and Bahrain: 50 Years of Change***, New York, NY : Routledge.
36. Zhang, H., & Li, Y. (2025). Investigating causal mechanisms of political opinion dynamics: A hierarchical social influence model. *arXiv preprint arXiv:2504.00877*.
37. Zhdanov, M. (2024). Social dynamics: Parameter estimation using dynamic interaction models. *arXiv preprint arXiv:2502.18172*.

Variables Affecting Political Relations between Iran and Oman in the Framework of Rosenau's Continuity Theory (2013-2024)

Abstract:

This study employs James Rosenau's theoretical framework and proposes a novel "Five-Factor Interactive Connectivity" model to analyze the dynamics of Tehran-Muscat political relations from 2013 to 2024. Its central question is: How has the dynamic and simultaneous interaction of Rosenau's variables, despite intense regional upheavals and leadership change in Oman, resulted in maintaining "dynamic stability" in bilateral ties?By uncovering a causal pattern of interaction among Rosenau's five analytical levels, the research presents a new model explaining the mechanisms sustaining Iran-Oman relations amid regional crises. Findings indicate this relational stability stems not from coincidence or a single variable, but from the "synergistic interaction" of variables across multiple levels. At the individual level, the personality of Omani political leadership, adopting mediation, provided the foundation for stable relations with Iran. In Iran, the unparalleled role of the Supreme Leader in guiding the overall system, combined with Hassan Rouhani's de-escalation policy and Ebrahim Raisi's neighborhood policy, contributed to preserving and developing these ties.The dynamic and reciprocal interaction of variables at the individual, societal, role, governmental, and international system levels has forged durable linkages in this relationship. By adopting realist and pragmatic policies, pressure from the international system, rather than weakening ties, activated individual-level mechanisms (Omani mediation) and societal-level mechanisms (Ibadi religious bonds), transforming into a factor consolidating cooperation. Formal institutions, through centralized decision-making and diplomatic/economic apparatuses, have also underpinned the sustainability of cooperation.

Key words: Islamic Republic of Iran, Kingdom of Oman, Political Relations, Economic Relations, Rosenau Theory.